

رسالت‌شناسی الیاس در ادیان ابراهیمی

مهدی قاسمی *

حسین سلیمانی **

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۰]

چکیده

الیاس نبی (علیه السلام) از شخصیت‌های مشترک ادیان ابراهیمی و یادشده در قرآن و کتاب مقدس است. تصویر رسالت او در این کتب، بیانگر چیرگی او بر فضای فرهنگی معاصرش، و نیز ترسیم الگویی علمی و عملی در تحقق رسالت دینی است. با اتخاذ نگرشی روشمند به جایگاه کتاب مقدس در تفسیر قرآن، می‌توان گفت دست‌کم بخش‌هایی از این سه کتاب می‌توانند در فهم متن باری کنند. رهیافت «بینامتنیت» در موضوع الیاس، ما را به فهم بهتری از آیات قرآنی نزدیک می‌کند. کیفیت مبارزه با بل‌پرستی، بنیان‌گذاری روش مباحله، پرورش مخلصینی چون الیشع جانشین، میزبانی مادر یونس و معجزه احیای یونس، گوشه‌هایی از این رهیافت است. رسالت الیاس نبی (علیه السلام) در یهودیت و مسیحیت، محدود به زمان حیات او نیست و پس از صعود، به‌ویژه در حوزه‌های عرفانی، برخی آیین‌ها و نیز در رخداد بازگشت مسیحا تداوم یافته است. در اسلام نیز اشارات اندکی به رسالت غیبی وی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: الیاس نبی، روش‌شناسی رسالت دینی، رسالت غیبی الیاس، عرفان یهود، روش بینامتنیت.

مقدمه

مهم‌ترین کارکرد انبیای الهی در طول تاریخ، انجام رسالت دینی و هدایت انسان به سوی قله توحید بوده است. قرآن و کتاب مقدس به‌روشنی از تبلیغ دین و شیوه‌های بیانی و رفتاری انبیای بزرگی مانند الیاس نبی (علیه السلام) یاد کرده‌اند. اطلاعات میان‌متنی ادیان ابراهیمی، به شرط احراز وثاقت و تعارض نداشتن با اصول قرآن و جهان‌بینی توحیدی، می‌تواند در فهم و تفسیر و شناخت بیشتر معارف دینی اصیل یاریگر باشد. از این‌رو، یکی از راهکارهای فهم و تفسیر برخی آیات قرآنی، مانند داستان‌ها و شخصیت‌های انبیای مشترک قرآن و کتاب مقدس، رهیافت تفسیری «بینامتنیت» (intertextuality) است. مراد از این رهیافت، «توجه به روابط نشانه‌شناختی و معناشناختی است که متون دیگر می‌توانند با قرآن داشته باشند» (قائم‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۴۴). بدین ترتیب، مفسر می‌تواند در تفسیر قرآن، افزون بر آگاهی‌های سنتی مانند اطلاعات زبانی و ادبی، اطلاعات درون‌نصی، اطلاعات سیاقی، از اطلاعات بینامتنی متناسب با متن قرآنی (نص) نیز بهره ببرد (همان: ۴۵۰).

بی‌تردید، یکی از برجسته‌ترین نقاط نشانه‌گذاری قرآنی، پیامبران و داستان‌های ایشان است (ذهبی، ۱۳۸۱: ۴۳/۱) و از دیگر سو، با توجه به زبان ایجاز و پرهیز از اطناب در قرآن (همان: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۸/۲ و ۲۹۱/۱۳) به‌کارگیری رهیافت بینامتنی دست‌کم در بخش داستان‌ها و انبیای مشترک قرآن و کتاب مقدس بسیار کارگشا است. مثلاً می‌توان با تمرکززدایی از متن فشرده قرآنی و رجوع به منابع معتبر، نقاط سفید و خالی برخی داستان‌های مشترک را پر، و خط داستانی را تکمیل کرد. این روش می‌تواند فهم بهتری از ساختارهای روایی، محتوای داستان‌ها و شخصیت‌های قرآنی به مخاطب عرضه کند.

الیاس نبی (علیه السلام) و جانشین وی، الیسع (علیه السلام) در زمره انبیایی هستند که نامشان به‌صراحت در میان ۲۶ تن از انبیای قرآنی آمده است. الیاس (علیه السلام) یا ایلیای تشبی (اول پادشاهان، ۱۷: ۱) از انبیای قرن نهم قبل از میلاد و به تعبیر قرآن از نوادگان ابراهیم یا نوح^۲ و از پیامبران بنی اسرائیل بوده و بنا بر شواهد کتاب مقدس (دوم پادشاهان، ۱: ۲ و ۱۲: ۲) در سال ۸۸۰ ق.م. به آسمان‌ها عروج کرده است. «الیاس» واژه‌ای غیرعربی است که بیشتر لغویان آن را همان «ایلیا»ی عبری به معنای «یهوه خدای من است» دانسته‌اند؛ هرچند در دائرةالمعارف جوداییکا آمده که الیاهو به معنای فدایی و مجاهد غیور یهوه است

(333: 2006, "Elijah"). در روایات اسلامی چنین آمده است: «او را الیاس گفتند چون او در حال یأس و انقطاع آمد، الیاس علیه السلام سید و بزرگوار قوم خود به شمار می‌رفت و صدای نور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از صُلب مبارک الیاس شنیده می‌شد» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۰۰). نام الیاس دو بار، و بنا بر نظر کسانی که «الیاسین» را تعبیر دیگری از الیاس می‌دانند، سه بار در قرآن آمده است (انعام: ۸۵؛ صافات: ۱۲۳ و ۱۳۰). با توجه به اینکه قرآن جزئیات رخدادهای تاریخی را بیان نمی‌کند، درباره زمان، مکان، نسب و برخی دیگر از ویژگی‌های الیاس نمی‌توان از نصّ قرآن کمک گرفت؛ اما در منابع اسلامی دیدگاه‌های گوناگونی در این باره وجود دارد.

از ابن عباس نقل شده که الیاس همان «خضر»، یعنی معلّم موسی است (قرطبی، ۱۳۶۴ الف: ۳۳/۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۹/۱۷)؛ و برخی دیگر معتقدند الیاس از دوستان خضر بوده و هر دو زنده‌اند و الیاس مأمور خشکی‌ها و خضر مأمور جزیره‌ها و دریاها است. یا اینکه مأموریت الیاس را در بیابان‌ها و خضر را در کوه‌ها می‌دانند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۸۵/۵-۲۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱۳/۸). برخی او را «یحیای تعمیددهنده عیسی (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۴۴/۱۹)، «الیسع» (قرطبی، ۱۳۶۴ الف: ۳۳/۷) و «ذالکفل» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱۳/۸) نیز دانسته‌اند؛ ولی آن‌گونه که از ظاهر آیات قرآن برمی‌آید، الیاس، به طور جداگانه، نام یکی از پیامبران بوده و با هیچ یک از پیامبران دیگر که نام برخی از آنها در کنار الیاس آمده، یکی نیست.

بنا بر آیات قرآنی، الیاس دارای ویژگی‌های معنوی و اخلاقی برجسته زیر است: دارنده مقامی شایسته (انعام: ۸۵)^۳ و نمونه‌اعلای زهد؛ بنا بر آیه «و زَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ اِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ» (انعام: ۸۵)؛ صاحب کتاب: «وَ اَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَ وَ النَّبُوَّةَ»؛ (انعام: ۸۹)؛^۴ مخاطب سلام: «سَلَامٌ عَلٰى اِلِیَاسِیْنَ» (صافات: ۱۳۰)؛^۵ محسن: «اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِیْنَ»؛ (صافات: ۱۳۱) و عبد مؤمن: «اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِیْنَ» (صافات: ۱۳۲) و پرورش‌دهنده مخلصین (صافات: ۱۲۷-۱۲۸).

و بنا بر آیات کتاب مقدس نیز الیاس ویژگی‌های زیر را دارد: روی‌گردانی از طاغوت، مهاجرت و مبارزه علنی با طاغوت (اول پادشاهان، ۳: ۱۷)؛ پیشرو در اتخاذ روش مباحله (اول پادشاهان، ۱۸: ۱۹-۳۹)؛ دارنده معجزاتی شگفت‌مانند: احیای مرده (اول پادشاهان، ۱۷: ۱۷-۲۳)، شکافتن رود (دوم پادشاهان، ۸: ۲)، فرود آتش (دوم

پادشاهان، ۱: ۹-۱۴)، نزول مائده آسمانی (اول پادشاهان، ۱۷: ۳-۶؛ ۱: ۱۹؛ و ۱۹: ۷-۸)؛ دومین شاهد خداوند در سینا (ماسون، ۱۳۸۵: ۵۲۰)؛ بهره‌گیر از نیایش (اول پادشاهان، ۱: ۱۷)؛ عهده‌دار وظایف رسالت در دوران پساصعود در یهودیت (بنا بر دوم پادشاهان، ۱۲: ۲) و مسیحیت (بنا بر پیش‌گویی ملاکی، ۴: ۵-۶).

در این مقاله به تناسب کارکرد الیاس در زمان حیات و پساصعود، برای اولین بار روش‌های کاربردی وی را در این دو مقطع به صورت جداگانه می‌کاویم. همچنین می‌کوشیم با اتخاذ روش «بینامتنیت»، تصویر جامعی از کارکرد این نبی به مخاطب عرضه کنیم. بدیهی است چون نظریه بینامتنیت، رهیافت مناسبی برای همپوشانی متون در موضوعات داستان قرآنی مانند الیاس دارد، به‌خوبی در این مقاله به کار گرفته شده است. در دو بخش اول، به روش‌های تبلیغی الیاس در قرآن و کتاب مقدس می‌پردازیم و سپس در بخش‌هایی به تطبیق و مزایای هر یک از این متون در خصوص کارکردهای حیات و پساصعود اشاره می‌کنیم.

الف. رسالت الیاس در دوران حیات

۱. شرک‌زدایی با روش پرسش و استدلال عقلی

بنا بر قرآن کریم، الیاس از پیامبرانی معرفی شده که با امر و دعوت قوم به پرهیزگاری و پرستش خدا، آنان را از پرستش غیر او بر حذر داشته است؛ اما قوم او، جز شماری از افراد بااخلاص، سخنانش را نادیده گرفتند و ایمان نیاوردند: «وَإِنْ إِلْيَاسَ لَمَنْ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ * أَ تَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ * اللَّهُ رَبُّكُمْ وَ رَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ» (صافات: ۱۲۳-۱۲۸).^۷

همان‌گونه که در عصر برخی از پیغمبران همانند حضرت نوح (علیه السلام) بت‌هایی به نام «وَدّ، سِوَاع، یَعُوث، یَعُوق وَ نَسْر» پرستش می‌شد، در عصر الیاس نبی (علیه السلام) نیز بتی به نام «بَعْل» را می‌پرستیدند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۲۵/۷). درباره معنا و مصداق «بعل» میان مفسران اختلاف است؛ برخی آن را به معنای «رب»^۸ یا نام زنی دانسته‌اند که قوم الیاس را گمراه کرد و آنها او را می‌پرستیدند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱۷/۱۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳۳/۱۲). اما بیشتر مفسران اسلامی هماهنگ با ظاهر آیات، آن را نام بت سنگی قوم الیاس دانسته‌اند. طلبی بودن، درازی، برخورداری بت یادشده از صورت‌های چهارگانه، داشتن چهارصد

خدمتکار، چگونگی به‌کارگیری آن از سوی شیطان برای واداشتن مردم به تکذیب الیاس و بی‌اثرکردن دعوت وی، از ویژگی‌های بعل نزد برخی مفسران است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱۳/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۰۴/۲۳).^۹

بنا بر آیات قرآن، بعل‌پرستی از معتقدات و عادات رایج قوم معاصر الیاس علیه السلام بوده و وی با به‌کارگیری استدلالی منطقی با آن مبارزه علمی و عملی کرده است. او پس از پرسش‌های تقریری (أَلَا تَتَّقُونَ) و انکاری (أَتَدْعُونَ بَعْلًا) خدای واقعی را معرفی می‌کند: «اللَّهُ رَبُّكُمْ» و بدین ترتیب با نفی و اثبات توأمان، در مقام اثبات منطقی مدعا است. نفی معبود دروغین و اثبات معبود حقیقی، دعوت را به پیش می‌برد، و این توأمانی از لوازم تأثیر دعوت و تربیت الیاس است. طباطبایی می‌نویسد:

و کلام آن جناب (الیاس نبی) علاوه بر اینکه توبیخ و سرزنش مشرکین است، مشتمل بر حجتی کامل بر مسئله توحید نیز هست، چون در جمله «وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ» مردم را نخست سرزنش می‌کند که چرا «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» را نمی‌پرستید؟ و خلقت و ایجاد همان‌طور که به ذوات موجودات متعلق است، به نظام جاری در آنها نیز متعلق است که آن را تدبیر می‌نامیم. پس همان‌طور که خدا خالق است مدبر نیز هست و همان‌طور که خلقت مستند به او است، تدبیر نیز مستند به هموست، و جمله «اللَّهُ رَبُّكُمْ» بعد از ستایش به عبارت «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»، اشاره به همین مسئله (تدبیر) است. و سپس اشاره می‌کند به اینکه: ربوبیت خدای تعالی اختصاص به یک قوم و دو قوم ندارد. و خدا مانند بت نیست که هر بتی مخصوص به قومی باشد، و بت هر قوم رب مخصوص آن قوم است. بلکه خدای تعالی رب شما و رب پدران گذشته شما است، و اختصاص به یک دسته و دو دسته ندارد؛ زیرا خلقت و تدبیر او، عام است و جمله «اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ» اشاره به همین معنا دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۰/۱۷).

صادقی تهرانی نیز می‌گوید:

بعل‌پرستان چگونه دعوت أحسن الخالقین را رها می‌کنند، حال آنکه بعل را که مخلوق خدا است و «دون الأحسن» است می‌پرستند؟! بشری که «أحسن

مخلوقین» است و در وصفش فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» و در قبالش سخن از ربوبیت خدا (اللَّهُ رَبِّكُمْ) است و بنابراین برتر از بعل است، چگونه ممکن است پرستش شود؟! بشری که سرشتی «فی أحسن تقویم» دارد، چگونه بعلی را پرستد که «فی أدون تقویم» و «جماد» است و به لحاظ رُتبی، آذنی از «نبات» و «حیوان»ی است که آذنی از «انسان» است؟! (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۹۹/۲۵).

۲. اصل اصلاح و تغییر تاکتیک مبارزه

۱. روی گردانی از طاغوت، مهاجرت و سپس مبارزه علنی با دشمن (اخاب)

داستان دعوت ایلیا در کتاب مقدس از این حیث که رسالتش ابتدا مخفیانه و سپس علنی بود، شبیه دعوت پیامبر اسلام ﷺ و دوران مبارزاتی ایشان است. در ابتدای رسالت، خداوند به ایلیا امر می‌کند به طرف مشرق و نهر کَریت، که در مقابل اردن است، برود و آنجا مخفی شود (اول پادشاهان، ۳: ۱۷). سپس دو مرتبه به او امر می‌کند به صَرفه (نزدیک صیدون) وارد شود و سرانجام «بعد از روزهای بسیار کلام خداوند در سال سوم به ایلیا نازل شده، گفت: برو خود را به آخاب بنما» (اول پادشاهان، ۱: ۱۸). «آخاب بن عُمری، هشتمین پادشاه بنی اسرائیل در سامره ۲۲ سال (۷۱۹-۷۳۹ ق.م.) سلطنت کرد (اول پادشاهان، ۲۹: ۱۶). وی ایزابل دختر آتَبعل (پادشاه صیدونیان) را به زنی گرفت و بعل را عبادت و سجده کرد (اول پادشاهان، ۳۱: ۱۶).^{۱۱} در زمان وی بت پرستی چنان رواج یافت که پرستش یهوه تقریباً به طور کامل در اسرائیل ریشه‌کن شد. در همین زمان ایلیا به پا خاست و (بنا بر اول پادشاهان، ۱۸) در برقرار کردن مجدد پرستش یهوه موفق شد (دائرة المعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۰: ۶۶۲-۶۶۳). او پس از واقعه مباحله، که تفصیلش خواهد آمد، ۴۵۰ نفر از انبیای بعل پرست (اول پادشاهان، ۴۰: ۱۸) و ۴۰۰ نفر از انبیای عشتاروت (هاکس، ۱۹: ۳۸۳) را نابود کرد و قدرتش را به رخ طاغوت زمانه کشاند.

۲.۲. روش مباحله

بنا بر کتاب مقدس عبری اولین مباحله را ایلیای نبی انجام داده است. وی در مبارزه با آخاب از سنت قربانی رایج زمانه‌اش بهره می‌برد، سنتی که بعدها قرآن نیز بدان اشاره

کرده است. لازم است اشاره شود که سنت پذیرش قربانی از سوی خداوند در قرآن ذیل آیه ۲۷ مائده آمده است: «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يَنْتَقِبْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ». همین سنت و با اشاره به جریان مباحله ایلیا در آیه دیگری از قرآن و البته در محاجه یهودیان معاصر پیامبر ﷺ در باب شرط پذیرش نبوت چنین منعکس شده است: «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ إِلَيْنَا آلَا نُؤْمِنُ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالذِّكْرِ قُلْتُمْ قَلِمًا فَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران: ۱۸۳)؛ «همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی‌ای بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند». بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می‌گویید، پس چرا آنان را کشتید؟».

بنابراین، قرآن فقط به وقوع آتش بر قربانی اشاره کرده است. باید دانست که «قربانی میان بنی‌اسرائیل بر دو نوع بوده است: قربانی خونی که از حیوانات پاک انتخاب می‌کردند، و قربانی غیرخونی که از خوراک و نوشابه و میوه و زیت و آرد بود» (هاکس، ۱۳۸۳: ۶۹۱-۶۹۲). از این رو صاحب تفسیر روشن می‌نویسد:

و در کتب تورات و در عهد عتیق به بعضی از انواع قربانی‌ها اشاره شده است؛ از جمله در لاویان، باب نهم از آیه ۴ تا ۲۴، راجع به قربانی سوختنی تحت نظارت موسی و هارون و نیز قربانی ایلیا در کتاب اول پادشاهان باب ۱۸ از آیه ۲۳ تا ۳۹. شاید بنی‌اسرائیل از آگاهی به این جریان‌ها که با نظر انبیا صورت می‌گرفت، معتقد شده بودند که یکی از وظایف و معجزات انبیا نشان‌دادن چنین قربانی باشد و آن را از عهد الهی می‌پنداشتند که با انبیا دارد و همین طوری که پذیرفتن هدیه با اخذ و تصرف صورت می‌گیرد، تصور می‌کردند که قبول قربانی از جانب خدا قهراً به صورت سوخته‌شدن و محو آثار خارجی آن خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۱۸۶/۵).

محمدجواد بلاغی نیز به آتش قربانی انبیای بنی‌اسرائیل، از جمله ایلیا، اشاره کرده است (بلاغی، ۱۴۲۰: ۳۷۷/۱). در کتاب مقدس عبری، ایلیا خطاب به اخاب می‌گوید:

پس الآن ... تمام [بنی] اسرائیل را نزد من بر کوه کرمل جمع کن و انبیای بعل را نیز ۴۵۰ نفر، و انبیای اشیریم را ۴۰۰ نفر که بر سفره ایزابل می‌خورند. پس اخاب نزد جمیع بنی اسرائیل فرستاده، انبیا را بر کوه کرمل جمع کرد. و ایلیا به تمامی قوم نزدیک آمده گفت: «تا به کی در میان دو فرقه می‌لنگید؟ اگر یهوه خدا است، او را پیروی نمایید و اگر بعل است، وی را پیروی نمایید». اما قوم در جواب او هیچ نگفتند. پس ایلیا به قوم گفت: «من تنها نبی یهوه باقی مانده‌ام و انبیای بعل ۴۵۰ نفرند. پس به ما دو گاو بدهند و یک گاو به جهت خود انتخاب کرده و آن را قطعه‌قطعه نموده بر هیزم بگذارند و آتش نهند؛ و من گاو دیگر را حاضر ساخته، بر هیزم می‌گذارم و آتش نمی‌نهم. و شما اسم خدای خود را بخوانید و نام یهوه را خواهم خواند؛ و آن خدایی که به آتش جواب دهد، او خدا باشد». و تمامی قوم در جواب گفتند: «نیکو گفتی». ... پس ... نام بعل را از صبح تا ظهر خوانده می‌گفتند: «ای بعل ما را جواب بده!». لیکن هیچ صدا یا جوابی نبود. و ایشان بر مذبحی که ساخته بودند جست و خیز می‌نمودند. و به وقت ظهر ایلیا ایشان را مسخره نموده گفت: «به آواز بلند بخوانید؛ زیرا او خدا است! شاید متفکر است یا به خلوت رفته یا در سفر می‌باشد، یا شاید که در خواب است و باید او را بیدار کرد!». ... و در وقت گذراندن هدیه عصری، ایلیای نبی نزدیک آمده گفت: «ای یهوه، خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم بشود که تو در اسرائیل خدا هستی و من بنده تو هستم و تمام این کارها را به فرمان تو کرده‌ام. مرا اجابت فرما» ... آنگاه آتش یهوه افتاده، قربانی سوختنی و هیزم و سنگ‌ها و خاک را بلعید ... و تمامی قوم چون این را دیدند، به روی خود افتاده، گفتند: «یهوه، او خدا است! یهوه، او خدا است!» (اول پادشاهان ۱۸: ۱۹-۳۹).

۳. اصل تذکر و بهره‌بردن از معجزه و نیایش

۳.۱. زنده کردن کودک مرده (یونس)

در کتاب مقدس عبری (اول پادشاهان، ۱۷: ۱۷-۲۳) می‌خوانیم که وی به دستور خداوند به صرفه (نزدیک صیدون) رفت و مهمان بیوه‌زنی شد. در آنجا «پسر آن زن که صاحب خانه بود، بیمار شد. و مرض او چنان سخت شد که نفسی در او باقی نماند. ...

و نزد خداوند استغاثه نموده گفت: ای یهوه، خدای من، مسئلت اینکه جان این پسر به وی برگردد. و خداوند آواز ایلیا را اجابت نمود و جان پسر به وی برگشت و وی زنده شد». البته بنا بر روایات اسلامی آن زن، مادر یونس بود و یونس نبی (علیه السلام) در چهل سالگی مبعوث شد.^{۱۲}

۳. ۲. شکافتن رود

در دوم پادشاهان (۸: ۲) آمده که ایلیا وقتی با الیسع به اردن سفر کرد، در انظار ۵۰ نفر از پسران انبیاء، رود اردن را شکافت: «پس ایلیا ردای خویش را گرفت و آن را پیچیده، آب را [کنار] زد که به این طرف و آن طرف شکافته شد و هر دوی ایشان بر خشکی عبور نمودند».

۳. ۳. فرود آتش بر سر دشمنان

و در همین کتاب^{۱۳} نیز می‌خوانیم که وی سه مرتبه بر سپاه ۵۰ نفری آخزیا بن اخاب (پادشاه و جانشین اخاب) (اول پادشاهان، ۵۱: ۲۲) از آسمان آتش فرستاد و آنان را هلاک کرد.

۳. ۴. نزول مائده آسمانی

و از کرامات الیاس این است که خداوند در ایام هجرت برای او مائده آسمانی می‌فرستد: «و غراب‌ها را امر فرموده‌ام که تو را در آنجا پیرو روند. ... و غراب‌ها در صبح نان و گوشت برای وی و در شام نان و گوشت می‌آوردند» (اول پادشاهان، ۱۷: ۳-۶). در کتاب مقدس عبری (اول پادشاهان، ۱: ۱۹) می‌خوانیم آنگاه که اخاب، داستان شکست بعل را در نمایش مباحله به همسرش ایزابل تعریف کرد، ایزابل وی را تهدید به مرگ کرد. ایلیا سپس برای حفظ جانش عازم کوه حوریب شد و در راه بارها فرشته‌ای برای وی طعام و آب می‌آورد: «و فرشته خداوند بار دیگر برگشته او را لمس کرده گفت: برخیز و بخور، زیرا که راه برای تو زیاده است. پس برخاسته، خورد و نوشید و به قوت آن خوراک، چهل روز و چهل شب تا حوریب که کوه خدا باشد رفت» (اول پادشاهان، ۱۹: ۷-۸). همان جایی که خداوند بر موسی تجلی کرد. بدین‌سان، او دومین شاهد خداوند در سینا بود (ماسون، ۱۳۸۵: ۵۲۰).

۳.۵. نیایش و استقامت

الیاس در یهودیت به حسن تأثیر در دعا معروف است (لئون دوفور، ۱۹۹۶: ۱۰۰) و به رخ‌نمایی وی در برابر پادشاه اشاره شده است؛ آنچنان که او با توجه به سه سال و شش ماه قحطی و در مواجهه با آخاب قسم می‌خورد و می‌گوید: «به حیات یهوه، خدای اسرائیل که به حضور وی ایستاده‌ام قسم! که در این سال‌ها شبنم و باران جز به کلام من نخواهد بود» (اول پادشاهان، ۱: ۱۷)؛^{۱۴} و می‌خوانیم که وی استغاثه کرد: «و به تمام دل دعا کرد ... و باز دعا کرد و آسمان بارید و زمین ثمر خود را رویانید» (رساله یعقوب، ۱۷-۱۸). طُرفه آنکه دعای باران وی بلافاصله پس از مباحله رخ داد.^{۱۵}

در سنت اسلامی نیز شواهدی از مناجات الیاس علیه السلام موجود است.^{۱۶} مثلاً مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که همراه عده‌ای به خانه امام رفتیم و خواستیم اجازه ورود بگیریم که صدایی از داخل خانه شنیدیم که عربی نبود. گمان کردیم به زبان سریانی باشد و بعد صدای گریه امام را شنیدیم و ما نیز به گریه امام گریستیم. سپس خادم اجازه ورود داد. نزد امام رفتیم و آنچه را شنیدیم بازگو کردیم. امام فرمود: «درست است، یاد الیاس نبی علیه السلام افتادم. وی از عبّاد انبیای بنی اسرائیل بود و آنچه را وی در سجده‌هایش با خدا زمزمه می‌کرد، گفتم که به زبان سریانی بود. به خدا قسم! تا به حال هیچ قسی و جائلیقی^{۱۷} به فصاحت زبان الیاس علیه السلام نبوده است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۵۵۸/۳). سپس امام مناجات وی را به زبان عربی برای ما بازگو کرد و فرمود: او در سجده‌هایش با خدای خود چنین مناجات می‌کرد: «آیا مرا عذاب می‌کنی، در حالی که ممتازترین چیزهای خود را تشنه [و شیفته] تو ساخته‌ام! آیا مرا عذاب می‌کنی، در حالی که صورتم را برای تو در خاک نهاده‌ام! آیا مرا عذاب می‌کنی، در حالی که برای تو از گناهان دوری کرده‌ام! آیا مرا عذاب می‌کنی، در حالی که شبم را برای تو بیدار بوده‌ام». سپس به الیاس علیه السلام وحی شد که سرت را بردار! من تو را عذاب نمی‌کنم. الیاس به خداوند گفت: «اگر مرا عذاب کردی چه؟ مگر من عبد و تو رب نیستی؟». خداوند به وی وحی فرستاد که «سرت را بردار! من تو را عذاب نمی‌کنم و خُلف وعده نیز نخواهم کرد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۲۷-۲۲۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۳/۴).

سنت اسلامی هم‌زمان با یادکرد قدرت معنوی الیاس، به استقامت او نیز اشاره کرده است. در روایتی می‌خوانیم: «کوه‌ها و درندگان، و سایر موجودات در اختیار و تحت فرمان

وی بوده است و خداوند، توانایی ۷۰ پیغمبر را به وی عطا کرده بود و در ثبات عقیده و پایداری از حق و ایستادگی در برابر باطل همانند موسی (علیه السلام) بود» (صاوی: بی تا، ۳۲۳/۳).

۴. اصل الگوسازی

۴. ۱. پرورش مخلصین

قرآن کریم ذیل بازگویی شخصیت الیاس نبی در سوره صافات می‌گوید: «فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ أَلَا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ»؛ (صافات: ۱۲۷-۱۲۸)؛ «پس او را دروغ‌گو شمردند، و قطعاً آنها [در آتش] احضار خواهند شد، مگر بندگان پاک‌دین خدا».

همچنان که می‌دانیم، مقام مخلص والاطر از مخلص است (ص: ۸۲-۸۳). از این رو بنا بر دیدگاه طباطبایی، «احضار این جمله، دلیل بر آن است که در قوم الیاس جمعی از مخلصین بوده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۱/۱۷). از دیگر سو، در کتاب مقدس به جماعت هفت‌هزاری مؤمنانی اشاره شده که به تعبیر خداوند «تمامی زانوهای ایشان نزد بعل، خم نشده و تمامی دهن‌های ایشان او را نموسیده است» (اول پادشاهان، ۱۸: ۱۹). این جمعیت همان مؤمنانی هستند که بعدها پولس رسول در رساله‌اش به رومیان از اخلاص در ایمانشان بهره می‌برد و خطاب به رومیان می‌گوید: «آیا خدا قوم خود را رد کرد؟ حاشا! ... آیا نمی‌دانید که کتاب در الیاس چه می‌گوید، ... هفت‌هزار مرد به جهت خود نگاه داشتم که به نزد بعل زانو نزده‌اند. پس همچنین در زمان حاضر نیز بقیتی به حسب اختیار فیض مانده است» (رومیان، ۱۱: ۱-۴).

از طرف دیگر، بنا بر نص کتاب مقدس عبری، الیشع جانشین الیاس نبی بوده است (نک: اول پادشاهان، ۱۶: ۱۹ و دوم پادشاهان، ۱۵: ۲). قرآن حضرت الیشع را در زمره اخیار (ص: ۴۸) برشمرده و فضیلت بخشیده است (انعام: ۸۶). از این رو می‌توان او را مهم‌ترین شاگرد مخلص و تربیت‌یافته مکتب دینی الیاس برشمرد.

ب. رسالت دوران پسا صعود (رسالت غیبی)

۱. رسالت غیبی الیاس در یهودیت

شخصیت الیاس در یهودیت قدری پیچیده و رازآمیز است. گرچه بنا بر نص کتاب مقدس عبری، او در زمره انبیای بنی اسرائیل است؛ اما بزرگانی از عرفای یهود نیز حتی

در نوع خلقت او تردید دارند و معتقدند الیاس در اصل، فرشته بوده و روزگار اندکی میان زمین و زمینیان سکنا گزیده است. موشه شم تاو د لئون (۱۲۴۰-۱۳۰۵م، تدوین‌گر کتاب زوهر) در این باره می‌گوید: «الیاه جزء فرشتگانی بود که مدافع و حامی خلقت انسان بودند. بنابراین، او فرشته‌ای بود که روزگاری موقتاً چونان یک انسان در زمین زیست و سپس به سوی آسمان صعود کرد» (Elijah, 2006: 334).

درباره عروج آسمانی ایلیا در سنت یهود مطالب فراوانی نقل شده است. نص کتاب مقدس عبری به صعود وی اشاره دارد: «و ایلیا در گردباد به آسمان صعود کرد» (دوم پادشاهان، ۱۲: ۲).^{۱۸} نوشته‌های اپوکریفایی عهد عتیق نیز بر این صعود تأکید دارد و ناظر به رسالت وی برای آیندگان هم هست:

در گردابی از آتش برده شدی، با ارابه‌ای که اسبان آتشین آن را می‌کشیدند. تو که برگزیده شدی تا در تهدیدهای زمان‌های آینده، خشم را پیش از آنکه دامن‌گیر گردد، فرونشانی... تا دل پدران را به سوی پسران بازآوری و اسباط یعقوب را به صلاح آوری. نیک‌بخت آنان که تو را خواهند دید و در عشق خواهند خفت، چه ما نیز زنده خواهیم بود (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۹۱: ۵۹۵-۵۹۶).

هاکس در قاموس کتاب مقدس، ذیل واقعه صعود وی، می‌نویسد:

و بعد از آنکه ۱۵ سال نبوت کرده بود، به طور عجیب و اسلوب غریبی از دار فانی به سرای باقی انتقال نمود. یعنی چون با البشع در راه بود، تکلم می‌نمود ناگاه کالسکه آتشی پدیدار گشته ایلیا بر آن سوار شده و به بالا برده شد. در حالی که البشع فریاد و زاری می‌نمود و چیزی نمی‌شنید. این واقعه غریب را ۵۰ نفر از تلامذ انبیا مشاهده کردند. پس از آن، همین ۵۰ نفر برخاسته تمام کوه و دشت آن نواحی را تفتیش کردند؛ زیرا با خود اندیشیده بودند که روح خدا از اینجا برگرفته و به جای دیگر برده است؛ لیکن جز خستگی و درماندگی حاصل دیگر نیافتند (هاکس، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۴۵).

در سنت یهود وی ناجی بازماندگان و دادگر نیازمندان به یاری قلمداد شده است. رد پای این عقیده را در واپسین لحظات حیات عیسی از زبان یهودیان اطراف صلیب شاهدیم:

و نزدیک ساعت نهم، عیسی به آوای بلند بانگ برآورد: «ایلی ایلی لما سبقتانی؟» یعنی خدای من، از چه روی مرا وانهادی؟ برخی از آنان که آنجا ایستاده بودند با شنیدن ندای او گفتند: «این ایلیا را می‌خواند» و بی‌درنگ یکی از آنان دوید و اسفنجی برگرفت و به سرکه آغشت و بر سر نی نهاد و نزدیک او برد تا بنوشد. اما دیگران او را گفتند: «بگذار ببینیم ایلیا بهر نجات او خواهد آمد؟!» (متی، ۲۷: ۴۶-۴۹).

و نیز در ماجرای گواهی و شناسایی یحیی، در متن پرسش عده‌ای از کاهنان و لایوان اورشلیم مبنی بر احراز هویت او باز از ایلیا رد پا می‌بینیم: «از او پرسیدند: پس کیستی؟ آیا ایلیا هستی؟ گفت: نیستم» (یوحنا، ۲۱: ۱).

سنت و عرفان یهودیت برای الیاس شأنی ویژه قائل است. داستان‌های مکاشفه‌گونه فراوانی در تلمود درباره ظاهرشدن الیاس بر حکما وجود دارد که نشان از مباحثات میان آنها در موضوعات هلاخایی و رازورزانه است (اشتاین سالتز، ۱۳۸۴: ۳۱۵).^{۱۹}

در ادبیات عرفانی متأخر، تفاسیر ایلیا بر رازهای تورات مکرراً افزایش یافته است. «ایلیا تولد اسحاق لوریا و الیعاذر بعل شم طو را به والدینشان پیش‌گویی کرده است. او مکرراً بر بعل شم طو ظاهر می‌شد و نیز نقش مهمی در شرح زدیک (Zaddikim = مقامی عرفانی به معنای کسی که خود را فراموش کرده و فقط به این توجه دارد که خدا چه می‌خواهد) ایفا کرده است» ("Elijah", 2006: 334). همچنین، الیاس در دوران پیشاصعود نیز (بنا بر دوم پادشاهان، ۶: ۱) مرگ اخزیا (پسر و جانشین اخاب) را پیش‌گویی کرده بود.

در عرفان قبالیی و بنا بر دیدگاه حای بن شریرا (رئیس آکادمی بابل) کسی که مشتاق ورود به عرش الهی و قصرهای ملائکه در عالم بالا است، باید متخلّق به اوصاف ایلیا به شرح راز و نیازی که وی در کوه کرمل داشته است، باشد (شولم، ۱۳۸۵: ۹۹). گرشوم شولم عبارتی از عزرا نقل می‌کند که وی در کتابش، *اسرار شجره علم* (ص ۷ ب) نقل کرده است: «آدم اول طعامش جملگی روحانی بود و البسه ملائکه بر تن داشت همچون خنوخ و الیاهو. و لذا شایسته این بود که از میوه‌های باغ عدن بخورد که همه آنها میوه‌های نفس و روح بودند» (همان: ۴۸۸).

یکی از رسالات پصاصعود الیاس نبی علیه السلام در اثبات، امکان و فرآیند رستاخیز برای آیندگان است. در کتاب ملاکی، ذیل فصل روز یهوه،^{۲۰} که از جمله پیش‌گویی‌های مهم او درباره روزگار فرارو است، می‌خوانیم که خداوند می‌فرماید: «اینک من ایلایای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد و او دل پدران را به سوی پسران و دل پسران را به سوی پدران خواهد برگردانید» (ملاکی، ۴: ۵-۶).

راب ابراهام کهن (به نقل از تلمود: بمیدبار ربا ۱: ۱۴) می‌نویسد: «اگر کسی بگوید مردگان بار دیگر زنده نخواهند شد، داستان ایلایا را که مرده‌ای را زنده کرد برای او نقل کن» (کهن، ۱۳۸۲: ۳۶۵). همچنین معتقد است: «رستاخیز مردگان توسط ایلایا عملی خواهد شد (تلمود: میشناسوفا ۱۵: ۹) و همو (ایلایا) است که به عنوان منادی، بشارت ظهور ماشیح را خواهد داد» (همان: ۳۶۹-۳۷۰).^{۲۱}

الیاس در آیین‌های یهودی از جمله مراسم پسح و ادعیه مربوط بدان و مراسم ختنه‌سوران حضوری نمادین دارد. او در مراسم عید فطیر (فصح)، که با خواندن هگادا همراه است، نماد شدت امید یهود به «رهایایی نهایی بنی اسرائیل» است. «این اعتقاد که رهایایی آخرالزمان، مانند نجات از بردگی در مصر، در ماه نیشان خواهد بود، چند پیوپیم (اشعار مذهبی (piyutim)) مسیحایی را برای عید فصح ... فراهم کرده است. غروب فصح رمز نهایی آینده تلقی می‌شود. جام الیاس، جام شرابی که تا پایان مراسم، روی خون می‌ماند و کسی به آن دست نمی‌زند، نشان‌دهنده شدت امید یهود به این است که الیاس در شامگاه برگزاری مراسم سالگرد نجات بنی اسرائیل بیاید و رهایایی نهایی را اعلام کند» (همان: ۱۸۰). «آن ترمن می‌نویسد: «لازم است چهار شراب به یادبود چهار بار یاد رهایایی که در سفر شموت (۶: ۶-۷) آمده است، نوشیده شود. در کنار این مراسم، ریختن چهار جام شراب و سپس کنار گذاشتن آن و نیز بازکردن درب ورودی و دعوت الیاس به داخل از جمله سنت‌ها است (انترمن، ۱۳۸۵: ۲۹۲).

در دعای فیض پس از سفره غذا که در مراسم ختنه‌سوران خوانده می‌شود، از خدا خواسته می‌شود کاهن عادل (اشاره به ایلایا) را به سوی قوم بفرستد (نک: کرینستون، ۱۳۷۷: ۷۹). همچنین گفته شده: «ایلایای غیور از آنجا که [بنی] اسرائیل را به خاطر نگه‌نداشتن عهد خدا به‌سختی توبیخ کرده است، در هر مراسم ختنه‌ای حضور می‌یابد و از این‌رو،

برای وی صندلی مخصوصی کنار می‌گذارند» (انترمن، ۱۳۸۵: ۲۰۵) و «کودک را برای لحظاتی روی آن می‌نشانند» (همان: ۲۰۶).

۲. رسالت غیبی الیاس در مسیحیت با عنوان طلایه‌دار آمدن عیسی (علیه السلام)

نام ایلیا ۲۶ بار در اناجیل هم‌نوا آمده است. این سطح از یادکرد، گواه روشنی از ارتباط میان او و شخص عیسی است. از اشتراکات آن دو به نمونه‌های چندی اشاره شده است؛ مانند اینکه ایلیا رسالتش را از کنار رود اردن آغاز می‌کند (اول پادشاهان: باب ۱۷)، همچنان که عیسی نیز دعوتش را با مواعظی پُرشور بر فراز کوه می‌آغازد (متی: باب ۳). یا احیای مرده در ایلیا که مربوط به پسر بچه زنی است که میزبان وی است (اول پادشاهان: ۱۷: ۱۷-۲۳) که با معجزه احیای دختر دوازده‌ساله (مرقس ۵: ۳۸-۴۲) و نمونه‌هایی دیگر قابل مقایسه است و نیز عروج هر دو شخصیت که در دوم پادشاهان، باب ۲ و نیز متی: ۲۸ آمده است. صاحب کتاب رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات در فصل مربوط به اسطوره معتقد است:

در روایات مربوط به کتاب مقدس دو تن نمرده‌اند: خنوخ (پیدایش ۵: ۲۴) و ایلیا که با ارابه‌ای به آسمان برده شد. این دو به ترتیب، با قیامت نخست به وسیله آب، که خنوخ نیای بلاواسطه نوح بوده است، و قیامت واپسین به وسیله آتش مرتبط‌اند. و همین ارتباط بوده که به کتاب‌های منسوب به خنوخ در کلیسای صدر مسیحیت حجیت فراوان داده است (فرائی، ۱۳۸۸: ۲۵۵).^{۲۲}

گرچه تصور یهودیت و نیز مسیحیان هم‌عصر عیسی (به‌ویژه حواریان) بنا بر آیه ملاکی ۴: ۵-۶ این بود که بازگشت ایلیا باید پیش از «روز یهوه» صورت پذیرد و زمینه‌ساز آن شود، اما عیسی در عهد جدید مدعی است طبق پیش‌گویی ملاکی، الیاس طلایه‌دار آمدن او بوده است. در داستان «تبدیل هیئت» (transfiguration) عیسی بنا بر نقل متی می‌خوانیم که عیسی پطرس، یعقوب و برادرش یوحنا را به خلوت کوهی بلند به تماشای موسی و ایلیا می‌برد، و سپس از کوه فرود می‌آید و می‌گوید:

پیش از آنکه انسان از میان مردگان برخیزد، از این رؤیا با کس دم مزیند. و شاگردان از او پرسیدند: پس کاتبان چه می‌گویند که نخست ایلیا باید بیاید؟ پاسخ گفت: آری! ایلیا باید بیاید و همه چیز را دگر بار سامان بخشد؛ باری شما را می‌گویم که ایلیا پیش از این آمد و او را باز نشناختند، بلکه با او آنچه خواستند کردند. پسر انسان نیز باید به همین نحو از ایشان رنج کشد. آنگاه شاگردان دریافتند که مراد از سخنان او یحیی تعمیددهنده بوده است (متی، ۱۷: ۹-۱۳).^{۲۳}

البته عیسی بنا بر انجیل لوقا در توصیف یحیی عباراتی را به کار می‌گیرد که به پیوند او با ایلیا اشاره دارد و نزد او یحیی، عیناً همان کارکرد ایلیا را حتی با همان تعبیر که در ملاکی ۶: ۴ آمده، دارد:

از زمانی که در بطن مادر خویش (ایصابات) است، از روح‌القدس آکنده خواهد گشت، و بسیاری از بنی‌اسرائیل را به سوی خداوند، خدای ایشان باز خواهد گرداند. با روح و قدرت ایلیا، پیشاپیش خداوند خواهد خرامید تا دل پدران را به سوی فرزندان باز آورد (لوقا، ۱: ۱۵-۱۷).

همچنان که آمد، ختم کتاب عهد عتیق، کتاب ملاکی نبی است و از این نظر برای مسیحیان که کتاب مقدس را یک مجموعه و در حقیقت، کتاب زندگی بشر (از سفر پیدایش تا مکاشفات آخرالزمانی یوحنا) (فرای، ۱۳۸۸: ۱۱) می‌دانند، آخرین حلقه از عهد عتیق با بشارت عیسی در عهد جدید پیوند لازم را دارد.

۳. رسالت غیبی الیاس به روایت اسلام

در قیاس با گستره یادکرد الیاس در متون یهودیت و مسیحیت و اشارات فراوان در زمینه قدرت و کارکردهای غیبی و ماورایی او، در سنت اسلامی جز ذکر ویژگی‌های عام قرآنی و پاره‌ای احادیث، اشارات کمتری به رسالت غیبی وی شده است. مثلاً درباره کیفیت صعودش اشاره صریحی نداریم؛ اما در روایت است که «الیاس، حضرت الیسع را جانشین خود برای مردم بنی‌اسرائیل قرار داد و خداوند وی (الیاس) را از مقابل دیدگان‌شان بالا برده و لذت طعام و شراب را از آنان برداشت و به وی دو بال داد که

انسانی زمینی به صورت فرشته‌ای آسمانی به پرواز درآمد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱۳/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۸۶/۵). و این نقل از ابن عباس است که ذیل آیات مربوط به الیاس آمده است: «أُنبت الله للیاس الریش (اللباس الفاخر) و ألبسه النور و رفعه إلی السماء» (راوندی، ۱۴۰۹: ۲۵۱).

روایتی نیز از دیدار وی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داریم که شاهدی بر تداوم حیات او است. آنس (خادم حضرت) گزارش می‌دهد که آن حضرت با دیدن الیاس او را در آغوش کشید و با وی گفت‌وگو کرد. در این حکایت، الیاس می‌گوید: ای رسول خدا! من سالی یک بار غذا میل می‌کنم و امروز همان موعد است. پس مانده آسمانی شامل نان و ماهی و کرفس نازل می‌شود تا اینکه هر دو از آن میل می‌کنند. سپس الیاس به همراه پیامبر نماز عصر می‌گزارد و از ایشان خداحافظی، و سوار بر ابر، به سمت آسمان عروج می‌کند (شوکانی، بی‌تا: ۴۷۳/۴).

در سنت شیعی از جمله شواهد قوی بر حیات امام زمان (عج)، اشاره به تداوم حیات عیسی، الیاس و خضر است. مثلاً سید هاشم بحرانی در کتاب کلامی خود از کتاب *البیان فی أخبار صاحب الزمان* (اثر شیخ ابو عبد الله محمد بن یوسف بن محمد کنجی شافعی) نقل و اذعان می‌کند که یکی از دلایل بقای حضرت مهدی (عج)، همانا بقای عیسی، خضر و الیاس است که جملگی از اولیاء الله هستند (بحرانی، ۱۴۲۷: ۱۹۴؛ اربلی، ۱۳۸۲: ۳۹۰/۳؛ نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۶۰).

از سوی دیگر، داستان ملاقات عیسی با موسی و الیاس علیه السلام که در عهد جدید (لوقا، ۹: ۳۰-۳۳) آمده است، با انعکاس آیه ۶۵ از سوره کهف در کتب تفسیری که در آنها به ملاقات خضر و موسی اشاره شده، درخور مقایسه است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۴/۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۵/۶). به هر صورت، گاه الیاس و خضر دو پیامبر زنده در زمین دانسته شده‌اند که در مقابل ادریس و عیسی علیه السلام قرار دارند که پیامبران زنده آسمانی هستند.

ج. تطبیق رسالت الیاس در ادیان ابراهیمی

۱. رسالت در دوران حیات

در اسلام، رسالت در دوران حیات الیاس نبی در مجموع نسبت به سایر ادیان از وی شخصیتی معنوی و اخلاقی ویژه‌ای به دست داده است. همچنان که در مقدمه آمد،

الیاس در زمره صالحان (انعام: ۸۵)؛ محسنان (صافات: ۱۳۱)؛ عباد مؤمن (صافات: ۱۳۲)؛ صاحب کتاب (انعام: ۸۹) و پرورش‌دهنده مخلصان (صافات: ۱۲۷-۱۲۸) است. هر یک از این ویژگی‌ها منحصر به فرد هستند. مثلاً به تعبیر محمدحسین طباطبایی صالحان از عذاب الهی در امنیت مطلق‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۴/۱-۳۰۵). همچنین، الیاس قرآنی دارنده کتاب معرفی شده که در یهودیت و مسیحیت یادی از این موضوع نشده است.

ذیل تقسیمات این فصل (رسالت دوران حیات) به روش‌های رسالتی الیاس در سه دین ابراهیمی اشاره شد که هر یک از ادیان ابراهیمی در برخی روش‌های یادشده ویژه‌اند. مثلاً متون مقدس اسلامی مانند آیات ۱۲۳ تا ۱۲۸ سوره صافات، بر آنند که وی در مواجهه با مخالفان و مشرکان با به‌کارگیری استدلالی منطقی با آنها مبارزه علمی و عملی کرده است. چنان‌که گفتیم، او پس از پرسش‌های تقریری (أَلَا تَتَّقُونَ) و انکاری (أَتَدْعُونَ بَعْلًا) خدای واقعی را معرفی می‌کند: (أَلَلَّهَ رَبُّكُمْ) و بدین ترتیب با نفی و اثبات توأمان، در مقام اثبات منطقی مدعا است. به تعبیر طباطبایی، این روش، «مشمول بر حجتی کامل بر مسئله توحید نیز هست ... و سپس آیه اشاره می‌کند که ربوبیت خدای تعالی اختصاص به یک قوم و دو قوم ندارد ... بلکه خدای تعالی ربِّ شما و ربِّ پدران گذشته شما است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۴۰/۱۷).

اما در به‌کارگیری اصل اصلاح و تغییر تاکتیک مبارزه که از آن با عنوان اعراض، مهاجرت و سپس مبارزه علنی با اخاب اشاره شد، کتاب مقدس به‌وضوح و به‌تفصیل از سنت «مباهله» (اول پادشاهان ۱۸: ۱۹-۳۹) نام برده است، اما قرآن کریم فقط اشاره‌ای گذرا و جزئی به آن دارد. در آیه ۱۸۳ آل‌عمران، خداوند از زبان بنی‌اسرائیل به عهده‌ی اشاره می‌کند که مربوط به پیامبران پیشین است و سنت «فروفرستادن آتش آسمانی بر قربانی‌ها».

در تطبیق روش تبلیغی الیاس می‌توان گفت داستان دعوت ایلیا در کتاب مقدس از این حیث که رسالتش ابتدا مخفیانه (اول پادشاهان، ۳: ۱۷) و سپس علنی (اول پادشاهان، ۱: ۱۸) بود، شبیه دعوت پیامبر اسلام ﷺ و دوران مبارزاتی ایشان است (حجر: ۹۴).

در اصل تذکر و بهره‌گیری از معجزه و نیایش نیز کتاب مقدس تفصیل بیشتری دارد. او کودک مرده (یونس) را زنده می‌کند (اول پادشاهان، ۱۷: ۱۷-۲۳) و بنا بر روایات اسلامی آن زن، مادر یونس بود و یونس نبی (ﷺ) در چهل سالگی مبعوث شد (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۱۳۶۲).

۲۲۹). ذکر سه معجزه بعدی یعنی شکافتن رود (دوم پادشاهان، ۸: ۲) و فرود آتش بر سر دشمنان (اول پادشاهان، ۵۱: ۲۲) و نزول مائده آسمانی (اول پادشاهان، ۱۷: ۳-۶) منحصر به کتاب مقدس است؛ اما ویژگی نیاپیش او در کتاب مقدس (اول پادشاهان، ۱: ۱۷؛ و رساله یعقوب، ۱۷-۱۸) و سنت اسلامی (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۲۷-۲۲۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۳/۴) نیز آمده است.

در اصل الگوسازی و تربیت شاگردان ویژه، قرآن از او با عنوان پرورش‌دهنده مخلصان (صافات: ۱۲۷-۱۲۸) یاد کرده و نشان‌دهنده آن است که در قوم الیاس جمعی از مخلصین بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۴۱). از سوی دیگر، در کتاب مقدس به جماعت هفت‌هزار مؤمنی اشاره شده که به تعبیر خداوند «تمامی زانوهای ایشان نزد بعل، خم نشده و تمامی دهن‌های ایشان او را نبوسیده است» (اول پادشاهان، ۱۸: ۱۹). جمعیتی که بعدها پولس در رساله‌اش به رومیان از اخلاص در ایمانشان برای تقویت آیین مسیحیت بهره می‌برد (رومیان، ۱۱: ۵-۱).

بنا بر نص کتاب مقدس عبری، ایشع جانشین الیاس است (اول پادشاهان، ۱۶: ۱۹؛ دوم پادشاهان، ۱۵: ۲) و قرآن نیز اذعان دارد که الیاس به پرورش مخلصین کوشا بوده است. از طرف دیگر، قرآن ایشع را جزء اخیار (ص: ۴۸) برشمرده و بر عالمیان فضیلت بخشیده است (انعام: ۸۶). لذا می‌توان ادعا کرد که بی‌شک یکی از شاگردان مهتر و «مخلص» او حضرت ایشع بن شافاط بوده که بی‌تردید تربیت‌یافته مکتب دینی الیاس است.

۲. رسالت دوران پساصعود (رسالت غیبی)

رسالت غیبی الیاس در یهودیت و مسیحیت از وی شخصیتی اسطوره‌ای ساخته است. در این دو دین، وی در زمره انبیایی است که ارتباطش با این جهان قطع نشده است. این جنبه از رسالت غیبی او البته که در اسلام بازتاب نیافته و جز تعداد اندکی از مفسران کلاسیک بدان اشاره نکرده‌اند.

تصویر الیاس با توجه به وقایع مذکور در کتاب مقدس (دوم پادشاهان، ۱۲: ۲) و (کتاب‌هایی از عهد عتیق، ۱۳۹۱: ۵۹۵-۵۹۶) پیچیده و رازگونه است. حتی بزرگانی از عرفای یهود نیز معتقدند او در اصل فرشته بوده و روزگار اندکی میان زمین و زمینیان سکنا گرفته است ("Elijah", 2006: 334).

در سنت یهود و مسیحیت از الیاس به عنوان ناجی بازماندگان و دادگر نیازمندان به یاری یاد شده است. رد پای این عقیده را در واپسین لحظات حیات عیسی از زبان یهودیان اطراف صلیب شاهدیم: «بگذار ببینیم ایلیا بهر نجات او خواهد آمد؟!» (متی، ۲۷: ۴۶-۴۹) و نیز در ماجرای گواهی و شناسایی یحیی، در متن پرسش عده‌ای از کاهنان و لایوان اورشلیم مبنی بر احراز هویت او باز از ایلیا رد پا می‌بینیم: «از او پرسیدند: پس کیستی؟ آیا ایلیا هستی؟ گفت: نیستم» (یوحنا، ۲۱: ۱).

سنت و عرفان یهودیت برای الیاس شأنی ویژه قائل است. داستان‌های مکاشفه‌گونه فراوانی در تلمود درباره ظاهر شدن الیاس بر حکما وجود دارد که نشان از مباحثات میان آنها در موضوعات هلاخایی و رازورزانه است (اشتاین سالتر، ۱۳۸۴: ۳۱۵). «در ادبیات عرفانی متأخر، تفاسیر ایلیا بر رازهای تورات مکرراً افزایش یافته است» ("Elijah", 2006: 334).

در عرفان قبالیایی کسی که مشتاق ورود به عرش الهی و قصرهای ملائکه در عالم بالا است، باید متخلق به اوصاف ایلیا به شرح راز و نیازی که وی در کوه کرمل داشته است، باشد (شولم، ۱۳۸۵: ۹۹). کارکرد دیگر او اعلام رستاخیز مردگان است که به عنوان منادی، بشارت ظهور ماشیح را خواهد داد (کهن، ۱۳۸۲: ۳۶۹-۳۷۰).

الیاس در آیین‌های یهودی، از جمله مراسم پسح و ادعیه مربوط بدان و مراسم ختنه‌سوران حضوری نمادین دارد (انترمن، ۱۳۸۵: ۲۰۵). همچنین، در مراسم عید فطیر (فصح)، که با خواندن هگادا همراه است، نماد شدت امید یهود به «رهایی نهایی بنی اسرائیل» است.

اما از رسالت غیبی الیاس در مسیحیت با عنوان طلایه‌دار آمدن عیسی یاد شده است و کثرت تکرار نام ایلیا (۲۶ بار) در اناجیل همنوا، نشان از اهمیت و کارکرد این شخصیت در مسیحیت است. ایلیای نبی با شخص عیسی پیوند دارد و این سطح از یادکرد، گواه روشنی از ارتباط میان او و شخص عیسی است.

عیسی بنا بر کتاب عهد جدید مدعی است طبق پیش‌گویی ملاکی، الیاس، طلایه‌دار آمدن او بوده است (متی، ۱۷: ۹-۱۳)؛ و همچنان که آمد، ختم کتاب عهد عتیق، کتاب ملاکی نبی است و از این نظر برای مسیحیان که کتاب مقدس را یک مجموعه و در حقیقت، کتاب زندگی بشر می‌دانند، آخرین حلقه از عهد عتیق با بشارت عیسی در عهد جدید پیوند لازم را دارد.

اما همچنان که در مقدمه این بخش آمد، رسالت غیبی الیاس به روایت اسلام در قیاس با گستره یادکرد الیاس در متون یهودیت و مسیحیت و اشارات فراوان در زمینه قدرت و اثر ماورایی او، هرگز برابری نمی‌کند. بنابراین، در سنت اسلامی جز ذکر ویژگی‌های عام قرآنی و پاره‌ای احادیث، اشارات کمتری به رسالت غیبی وی شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۸۶/۵). مثل روایت نادری که حکایت از دیدار الیاس با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد و گواه بر تداوم حیات او است (شوکانی، بی‌تا: ۴۷۳/۴). البته درباره زنده‌بودن الیاس می‌توان با توجه به داستان ملاقات عیسی با موسی و الیاس علیه السلام که در عهد جدید (لوقا، ۹: ۳۰-۳۳) آمده است و با انعکاس آیه ۶۵ از سوره کهف در کتب تفسیری که در آنها به ملاقات خضر و موسی اشاره شده، آن را مقایسه‌پذیر دانست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۳۷۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۵/۶). به هر صورت، گاه الیاس و خضر دو پیامبر زنده در زمین دانسته شده‌اند که در مقابل ادریس و عیسی که پیامبران زنده آسمانی هستند، قرار دارند. با توجه به تأیید حیات الیاس نزد برخی بزرگان شیعه باید گفت در سنت شیعی، حیات وی شاهدی قوی بر حیات امام زمان (عج) است (بحرانی، ۱۴۲۷: ۱۹۴؛ اربلی، ۱۳۸۲: ۳/۳۹۰؛ نیلی نجفی، ۱۴۲۶: ۶۰). از امام محمد باقر علیه السلام روایت است که در بیان ویژگی‌های مسجد کوفه فرمود: «الحال [نیز] خضر و الیاس در آنجا (مسجد کوفه) به هم می‌رسند یا در زمان حضرت صاحب‌الامر (عج)، عیسی و ادریس نیز با خضر و الیاس نزد حضرتش اجتماع می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۱۴: ۲۳۸/۳).

نتیجه

۱. امروزه برای مطالعه و فهم متون دینی به روش‌های تحقیق تاریخی نیازمندیم. اساساً روش بینامتنی، همان مقایسه تطبیقی و پیش رو نهادن سنت‌های موجود در ادیان ابراهیمی است؛ همچنان که مفسران کلاسیک قرآن نیز همواره نگاهی به روایات و سنت‌های معتبر نزد سایر اهل کتاب داشته‌اند. به طور کلی بینامتنیت، حضور صریح یا ضمنی متنی در متن دیگر است که ممکن است از لحاظ زمانی آن دو متن به هم نزدیک یا از هم دور باشند. نتیجه آنکه در متون با زمینه‌های موضوعی مشترک، همپوشانی متون می‌تواند کارآیی بیشتری داشته باشد. بنابراین، باید گفت برای علم تفسیر قرآن به علم تاریخ (به‌ویژه تاریخ ادیان) نیازمندیم.

۲. با توجه به زبان ایجاز و پرهیز از اطناب در قرآن، به‌کارگیری رهیافت بینامتنی، دست‌کم در بخش داستان‌ها و انبیای مشترک قرآن و کتاب مقدس بسیار کارگشا است، به طوری که می‌توان با تمرکززدایی از متن فشرده قرآنی و رجوع به منابع معتبر، نقاط سفید و خالی برخی داستان‌های مشترک را پر، و خط داستانی را تکمیل کرد. این روش می‌تواند فهم بهتری از ساختارهای روایی و محتوای داستان‌ها و شخصیت‌های قرآنی به مخاطب عرضه کند.

۳. الیاس در اسلام، شخصیتی است با ویژگی‌های معنوی و اخلاقی (مانند: صالحان، زهد، محسنان، عباد مؤمن)؛ در حالی که در متون دینی یهود و مسیحیت، جنبه رسالت او بیشتر غیبی، رازگونه، اسطوره‌ای و عرفانی است (مانند صعود به آسمان، حضور در مراسم‌های آیینی، رستاخیز مردگان و مباحله).

۴. الیاس به عنوان الگویی قرآنی و کتاب مقدسی، روش‌های تبلیغی گوناگون و مؤثری (مانند شرک‌زدایی با اتخاذ روش پرسش و استدلال عقلی، اصل اصلاح و تغییر تاکتیکی مبارزه، اصل تذکر با ابزار معجزه و نیایش و اصل الگوسازی) فراروی مبلغان دین قرار داده است. او الگویی علمی و عملی در ساحت آموزش توحید و پرورش خداپرستان است.

۵. آشنایی با روش الیاس نبی در روشنگری و انتقال پیام دین، خواننده را با فضای فرهنگی و نیز سطح درک هم‌عصران وی و در نتیجه استقامت و تحمل سختی‌های رسالت آشنا می‌کند. قرآن و کتاب مقدس، با یادکرد رواج «بعل‌پرستی»، شرک را مهم‌ترین انحراف فکری زمانه الیاس می‌خوانند؛ به طوری که بت‌پرستان متعصب حاضر به مباحله نیز شدند.

۶. کارکرد رسالت الیاس نبی (علیه‌السلام) بنا بر کتاب مقدس و سنت یهودی و مسیحیت، محدود به زمان حیات او نیست و پس از صعود نیز رسالت وی، به‌ویژه در حوزه‌های عرفانی، برخی آیین‌ها و نیز بازگشت مسیحا تداوم یافته است. قرآن هیچ اشاره‌ای به اصل صعود ندارد؛ هرچند سنت اسلامی در پاره‌ای روایات اشاره به تداوم حیات وی دارد و برخی متکلمان از آن در موضوع بقای عمر امام زمان (عج) بهره برده‌اند.

۷. الیاس در زمان حیاتش هرگز به موعظه‌گری، خطابه و استدلال (مبارزه شفاهی) اکتفا نکرد؛ بلکه هم‌زمان در صحنه مبارزه عملی با نمادهای شرک زمانه نیز حاضر شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. منسوب به تشبه، منطقه‌ای در جبل‌عاد (منطقه‌ای کوهستانی در شرق اردن)؛ دائرةالمعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۰: ۷۷۸ و ۷۸۲.
۲. وی از ذریه ابراهیم علیه السلام است: «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ ... وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ ... وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَالْيَاسَ» (انعام: ۸۳-۸۵). برای آگاهی بیشتر نک: جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۷۴/۷. مجلسی می‌گوید: «ابن‌عباس و اکثر مفسرین بر این باورند که الیاس از انبیای بنی‌اسرائیل و از اولاد هارون بن عمران است» (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۸/۳). برای آگاهی بیشتر نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۱۰/۴. از مورخان: ابن‌اثیر جزری، بی‌تا: ۲۱۲/۱ و ۱۶۰. به دلیل آیات ۸۴-۸۵ انعام و بازگشت ضمیر «مِنْ ذُرِّيَّتِهِ» به ابراهیم یا نوح، الیاس نواده یکی از این دو پیامبر به شمار می‌رود.
۳. برخی گفته‌اند: «كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ» یعنی همه آنها از انبیا و رسولان هستند (قرطبی، ۱۳۶۴ الف: ۳۳/۷). چنان‌که برخی دیگر از مفسران ذیل آیه ۱۳۰ بقره که درباره ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» معتقدند مراد از صالحان در این آیه کسانی نیستند که شایستگی رحمت عامه خدا یا رحمت ویژه مؤمنان یا ولایت و سرپرستی از سوی خدا را دارند، بلکه مقصود مقامی است که رحمت الهی آنان را در بر می‌گیرد و این همان امنیت مطلق از عذاب الهی است و چنین مقامی خود دارای مراتبی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۴/۱-۳۰۵).
۴. زکریا، یحیی، عیسی و الیاس از پیامبرانی بودند که در زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، علاوه بر مقام نبوت و رسالت، نمونه بودند. جمله «كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ» بعد از ذکر نام آنها اشاره به همین حقیقت است؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۳۳۰/۵.
۵. بنا بر این آیه که به فاصله ۴ آیه از بیان ویژگی صالح‌بودن (مقام شایسته) الیاس آمده، وی دارای کتاب بوده است؛ گرچه مورخانی چون ابن‌اثیر وی را فقط تبیین‌گر کتب قبلی مثل تورات می‌شمرند (نک: ابن‌اثیر جزری، بی‌تا: ۲۱۲/۱؛ ابن‌عساکر، بی‌تا: ۲۰۶/۹). هاکس نیز همین دید را دارد: «الیاس نبی صاحب کتاب نبود؛ زیرا به هیچ وجه خبری از نویسندگی او جز نامه‌ای که به بهورام (پادشاه یهودا) نوشت، نیست (هاکس، ۱۳۸۳: ۱۴۵) اما با توجه به ظاهر آیه یادشده، الیاس نبی دارای کتاب بوده و اصل کتاب‌داشتن وی انکارناپذیر است. آنچه درخور بحث است، محتوای کتاب است که آیا نشانه

شریعت جدید است یا مجموعه‌ای است از احکام برای زنده کردن تورات؛ چنان‌که این معنا را ظاهر آیه ۸۷ بقره نیز تأیید می‌کند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقِينَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ»؛ «ما به موسی کتاب دادیم و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم». جوادی آملی می‌نویسد: «خدای سبحان پس از موسی (علیه السلام) پیاپی پیامبرانی فرستاد؛ از این رو برای بنی اسرائیل عذری باقی نمانده، نمی‌توانند نداشتن پیامبر و قطع رابطه خویش با عالم غیب را بهانه کنند. پیامبرانی که پس از حضرت موسی و پیش از عیسی مسیح آمدند، مانند داوود، سلیمان، الیاس، الیسع، ذوالکفل، یونس، زکریا و یحیی (علیهم السلام) رسول بودند، یعنی جبرئیل بر آنان نازل شده و با زبان وحی با آنان سخن می‌گفت، لیکن همه عامل به تورات و مبلغ آن بودند» (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۴۴۳/۵). بدین ترتیب ظاهراً گزینه دوم صحیح به نظر می‌رسد و بنابراین، اختلافی بین ظاهر آیه و کلام مورخان نیست.

۶. در قرآن کریم فقط به افراد خاصی سلام داده شده است. عبدالحسین طیب در اطیب البیان فی تفسیر القرآن مدعی است سلام در قرآن مختص معصومان است و در هیچ کجای قرآن به پیروان معصومان سلام نشده است (طیب، ۱۳۷۸: ۱۸۹/۱۱). اما برخی متأخران در اثبات اینکه الیاسین همان الیاس است، گفته‌اند: پس از آیه «سلام علی الیاسین» به فاصله یک آیه می‌فرماید: «انَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ»، لذا بازگشت ضمیر مفرد به الیاسین، دلیل بر این است که مراد الیاس است. دلیل دیگر اینکه آیات چهارگانه‌ای که در پایان ماجرای الیاس آمده، عیناً همان آیاتی است که در پایان داستان نوح و ابراهیم و موسی و هارون (علیهم السلام) نیز آمده است و هنگامی که این آیات را کنار هم قرار می‌دهیم، می‌بینیم سلامی که از سوی خداوند در این آیات ذکر شده، به همان پیامبری است که در صدر سخن آمده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۹/۱۴۶-۱۴۵). کلام زمخشری و فخر رازی نیز صرف ادعا است و شاهدی بر آن وجود ندارد.

۷. و در ادامه می‌فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ».

۸. سید هاشم بحرانی در تفسیر خود نقل می‌کند: «سَأَلَ رَجُلٌ أَعْرَابِيًّا عَنْ نَاقَةٍ وَقَفَتْ فَقَالَ لِمَنْ هَذِهِ النَّاقَةُ الْوَأَقِفَةُ؟ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ: أَنَا بَعْلُهَا وَسُمِّيَ الرَّبُّ بَعْلًا» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۳/۴)؛ «بعل» اسمی کنعانی است و خدای آفتاب بود، همچنان که عشتروت، خدای ماده مهتاب بود (هاکس، ۱۳۸۳: ۱۸۰، ذیل «بعل»); نیز نام فرشته‌ای است (نک: قرطبی، ۱۳۶۴: ۷۷/۱۵).

۹. مثلاً گفته شده شیطان داخل بعل می‌رفته و شریعت باطل را به مردم القا و آنها را گمراه می‌کرده است؛ بدین صورت که خادمان آن بت، صدای شیطان را می‌شنیده و آن را حفظ کرده و به مردم «بک» لبنان یاد می‌داده‌اند؛ لذا به این منطقه «بعلبک» می‌گویند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷/۸؛ زمخشری، بی تا: ۶۰/۴). فخر

رازی به داخل شدن شیطان به درون بعل و صحبت کردن آن از داخل بعل اشکالاتی وارد کرده که نظام‌الدین نیشابوری در تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان (۵/۵۷۴) آن را نقد کرده است.

۱۰. نام وی بنا بر تقریر یونس حمامی لاله‌زار (استاد معارف دینی کلیمیان ایران)، آحآو بوده و هم‌زمان با سلطنت آسا و یهوشافاط است (حمامی لاله‌زار، ۱۳۸۱: ۲۸).

۱۱. در کتاب مقدس عبری، ایزابل (Jezebel) قاتل انبیا بوده است؛ نک.: اول پادشاهان، ۱۳: ۱۸.

۱۲. عن ابن عباس فی حدیث طویل یقول فیہ: «إن الیاس علیه السلام نزل فاستخفی عند أم یونس علیها السلام ستة أشهر، ثم عاد الی مکانه فلم یلبث ألاً یسیراً حتی مات ابنها حتی فطمته، فعظمت مصیبتها، فخرجت فی طلب الیاس و رقت الجبال حتی وجدت الیاس، فقالت: انی فجعت بابنی و قد ألهمنی الله ان استشفع بک لیحیی لی ابنی، ... فرفع یدیه (الیاس) بالدعاء واجتهد حتی أحمی الله لقدرته یونس، فلما عاش انصرف الیاس و لما صار ابن اربعین سنة أرسله الی قومه» (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۲۲۹).

۱۳. نک.: دوم پادشاهان، ۱: ۹-۱۴. از نکات جالب، بهره عیسی علیه السلام از این واقعه است. حواریان عیسی در ایام نزدیک به صعود به عیسی پیشنهاد می‌کنند که اگر می‌خواهی فرمان دهیم آتش از آسمان فرود آید و دشمنان را بسوزاند؛ اما عیسی نپذیرفت و آنان را نکوهید (نک.: لوقا، ۹: ۵۱-۵۵). عیسی علیه السلام تلویحاً به پیروانش می‌گوید برای نجات آمده است نه عذاب.

۱۴. اشاره به قحطی شدید: اول پادشاهان، ۲: ۱۸.

۱۵. تفصیل استغاثه وی را در اول پادشاهان، ۱۸: ۴۱-۴۶ ببینید.

۱۶. برخی از ادعیه منسوب به الیاس را می‌توان در منابع شیعی به طور عام (مانند: کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۸/۱)، و نزد اهل سنت به‌ویژه هنگام نقل تاریخ وقایع در مواجهه با احاب و داستان مباهله باز جست (مانند: ابن کثیر، بی‌تا: ۳۳۹/۱).

۱۷. رئیس نصارا در علم، و جاثلیق برتر و بالاتر از او است.

۱۸. و پیش‌تر با این عبارت آمده است که: «و چون خداوند اراده نمود که ایلیا را در گردباد به آسمان بالا برد ...» (دوم پادشاهان، ۱: ۲).

۱۹. برای اطلاع از نمونه‌ای از این مکاشفات که در آن ایلیا به ربی یوسی (شاگرد ربی عقیوا) می‌گوید: «خدا روزی سه مرتبه برای خراب‌شدن معبد سوگواری می‌کند»، نک.: همان: ۳۱۴؛ و حکایتی دیگر که بر حکیمی ظاهر می‌شود و حکم واقعی مسئله‌ای فقهی را برایش تبیین می‌کند، نک.: همان: ۲۹۵.

۲۰. پیامبران از زمان دخالت‌های بزرگ الهی به «روز یهوه» نام می‌برند. برای نمونه‌های آن نک.: اشعیا، ۱۷: ۲؛ اشعیا، ۱: ۴ و ...

۲۱. داستان شبتای صبی (متوفای ۱۶۷۶م. و مدعی مسیحا) در اینجا خالی از لطف نیست و بیانگر این است که اعلام ظهور مسیحا پیوندی تمام با ایلیا دارد. در تاریخ آمده است که شبتای در سال ۱۶۶۶م. و پیش از اعلام مسیح‌بودنش در اورشلیم با شخصی به نام ناتان غزتی ملاقات کرد که مدعی بود ایلیا است. بنابراین، شبتای اعلام ظهور مسیحا را بر عهده غزتی گذاشت (کریستون، ۱۳۷۷: ۱۳۷).

۲۲. برای آگاهی بیشتر نک: "Elijah", 2006: 334

۲۳. نیز این آیه خطاب عیسی به یحیی است: «و او اگر از من بپذیرید، همان ایلیا است که باید بازگردد» (متی، ۱۴: ۱۱). چه بسا خواننده با تناقض گفتاری این ادعای عیسی و تکذیب خود یحیی مبنی بر ایلیاس‌نبودنش (یوحنا، ۲۱: ۱) مواجه شود؛ اما به نظر می‌رسد در اناجیل، پیش‌گویی بازگشت ایلیا به این صورت منظور می‌شود که یحیی تعمیددهنده آن را محقق کرده است. لذا عیسی در جایی دیگر بر این نکته پای می‌فشرد که ایلیا همان یحیی است؛ در متی از عیسی نقل می‌شود که شخصیت یحیی حتی بالاتر از پیامبران است، زیرا «جمله پیامبران و نیز شریعت، نبوت‌های خود را تا روزگار یحیی کرده‌اند و او [یحیی]، اگر از من بپذیرید، همان ایلیا است که باید بازگردد. آن کس که گوش دارد، بنوشد». در نتیجه باید گفت هم یحییای تعمیددهنده و هم عیسی در کلامشان صادق‌اند و متی در دو نقل یادشده (۱۷: ۹-۱۳ و ۱۴: ۱۱) توجه به مطلب مهمی دارد. از دیدگاه متی، یحیی آمده است تا جانشین آخرین پیامبر، یعنی ملاکی، شود و نظام عهد قدیم را به پایان برساند و در حقیقت، آخرین پیش‌گویی ملاکی، یعنی آخرین نصیحت رسمی خاتم کتب عهد عتیق را محقق کند.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس (۲۰۰۹). ترجمه قدیم، بی‌جا: انتشارات اسلام.

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبد الباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.

ابن اثیر جزری، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (بی‌تا). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.

ابن عساکر، علی (بی‌تا). تاریخ مدینة دمشق، عمان: دار البشیر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی‌تا). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الفکر.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲). کشف الغمة، ترجمه و شرح: علی بن حسین زواره‌ای، تهران: انتشارات اسلامیة، چاپ سوم.

اشتاین سالتز، آدین (۱۳۸۴). سیری در تلمود، ترجمه: باقر طالبی دارابی، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ دوم.

- انترمن، آلن (۱۳۸۵). *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه: رضا فرزین، قم، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، قم: مؤسسه البعثة، چاپ اول.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۷). *بهجة النظر فی إثبات الوصایة والامامة للأئمة الاثنی عشر*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت، چاپ اول.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۲). *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء، ج ۵.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تفسیر موضوعی قرآن کریم: سیره پیامبران در قرآن*، تحقیق: علی اسلامی، قم: اسراء، چاپ پنجم، ج ۶ و ۷.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲). *الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، تهران: نوید، چاپ اول.
- حامی لاله زار، یونس (۱۳۸۱). «گاه‌شمار شخصیت‌ها و وقایع تاریخ یهود طبق کتاب مقدس (۲)»، در: *افق بینا*، س ۴، ش ۱۷، ص ۲۸-۳۰.
- دائرةالمعارف کتاب مقدس* (۱۳۸۰). ترجمه: بهرام محمدیان و دیگران، تهران: انتشارات سرخدار، چاپ اول.
- ذهبی، حسین (۱۳۸۱). *التفسیر والمفسرون*، قاهره: دار الکتب الحدیثة.
- راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹). *قصص الأنبیاء علیهم السلام*، مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
- زمخشری، محمود بن عمر (بی‌تا). *الکشاف*، تصحیح: مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). *الدّر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شوکانی، محمد بن علی (بی‌تا). *فتح القادیر*، بیروت - دمشق: دار ابن کثیر و دار کلم الطیب، الطبعة الاولى.
- شولم، گرشوم (۱۳۸۵). *جریانات بزرگ در عرفان یهودی*، ترجمه: فهیم‌الدین رادمهر، تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ اول.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- صاوی، احمد بن محمد (بی‌تا). *حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.

فرای، نور تروپ (۱۳۸۸). رمز کل: کتاب مقدس و ادبیات، ترجمه: صالح حسینی، تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ دوم.

فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). الوافی، اصفهان: کتاب‌خانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).
قائم‌نیا، علی رضا (۱۳۸۹). بیولوژی نص: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ الف). الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ب). تفسیر قرطبی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
کتاب‌هایی از عهد عتیق (کتاب‌های قانون ثانی) (۱۳۹۱). ترجمه: پیروز سیار، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.

کرینستون، جولیس (۱۳۷۷). انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه: حسین توفیقی، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
گهن، راب ابراهام (۱۳۸۲). گنجینه‌ای از تلمود، تهران: اساطیر، چاپ اول.
لئون دوفور، گزایوه (۱۹۹۶). فرهنگ عهد جدید، ترجمه: کانون یوحنا ی رسول، تهران: انتشارات کانون یوحنا ی رسول، باز نشر در: www.irancatholic.com.

ماسون، دینز (۱۳۸۵). قرآن و کتاب مقدس: درون‌مایه‌های مشترک، ترجمه: فاطمه‌سادات تهامی، تهران: نشر سهروردی، چاپ اول.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۵). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدتقی (۱۴۱۴). لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴). إثبات الوصیة لعلی بن أبی طالب (علیه السلام)، قم: انتشارات انصاریان.

مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، چاپ اول.
مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى.

نیلی نجفی، سید بهاء‌الدین علی بن عبدالکریم (۱۴۲۶). سرور أهل الایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم: دلیل ما، چاپ اول.
هاکس، جیمز (۱۳۸۳). قاموس کتاب مقدس، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.

"Elijah", in: *Encyclopaedia Judaica* (2006). Second Edition, Jerusalem, vol. 6, pp. 331-337.